

رویکرد ایلخانان نسبت به هنر در ایام سلطنت سلطان محمد خدابنده اولجایتو

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۶

کد مقاله: ۵۸۴۸۳

میثم سلیمانی^۱، افتخار قاسم زاده^{۲*}

چکیده

در عصر مغول‌ها با توجه به دین‌ستیزی آن‌ها ابتدا هنرهای چون موسیقی و نقاشی و به خصوص مجسمه‌سازی رونق گرفت و کارهای ارزنده و باشکوهی را به وجود آوردند؛ اما پس از تسلط اسلام و گرویدن سلاطین مغول به دین جدید، هنر نیز چون سایر مظاهر جامعه دستخوش تغییر و تحول گردید و بالاجبار در راهی افتاد که اسلام پیشنهاد می‌کرد. هنرهای مثل موسیقی، مجسمه‌سازی که با اسلام مغایرت داشتند به فراموشی سپرده شدند و به جای آن معماری به جلو آمد و متعاقب آن نقاشی، کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌بری و خوشنویسی فعال شد. از آن پس سلاطین ایلخانی، برای نمایاندن شوکت و جلال خود، از هنر سود می‌جستند و برای ساختن شاهکارهای هنری، هنرمندان را به خدمت می‌گرفتند. یکی از این سلاطین، سلطان محمد خدابنده اولجایتو می‌باشد که حامی و مشوق هنر بوده است. از جمله هنرهای متداول در این دوره، رشته‌های هنری چون معماری، نقاشی و خوشنویسی است که مورد توجه و عنایت ویژه‌ای سلطان ایلخانی قرار گرفته شده که در نتیجه‌ی آن باعث رونق و گسترش آن‌ها گردیده است. در این پژوهش سعی بر آن است که ضمن بررسی جایگاه هنر و معماری در دوره سلطان محمد اولجایتو به بحث در باب وجوه مختلف هنر این دوران و اینکه سلطان ایلخانی نسبت به هنر چه نوع رویکردی داشته، با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، پرداخته شود.

واژگان کلیدی: هنر اسلامی، ایلخانان، معماری اسلامی، سلطان محمد خدابنده، اولجایتو.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد، تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره). (مسئول مکاتبات)
eftekhargasemzadeh@gmail.com

هنر دوره ایلخانیان از دوره‌های شاخص هنر اسلامی در ایران و آسیای مرکزی به شمار می‌رود. مغول‌ها در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری وحشیانه به سرزمین‌های اطراف خود یورش برده و بخش وسیعی از دنیای متمدن آن زمان را تصرف کردند و بزرگ‌ترین امپراتوری پیوسته را از نظر وسعت سرزمین در تاریخ بشر تشکیل دادند. حمله ویرانگر مغول‌ها به ایران در اوایل قرن هفتم هجری صورت گرفت و موجب از بین رفتن بسیاری از آثار فرهنگی ما شد. مغول‌ها با تسلط کاملی که بر ایران و بین‌النهرین یافتند، به حکومت عباسیان در بغداد نیز پایان دادند. با از بین رفتن تسلط خلیفه بغداد بر سرزمین‌هایی مانند ایران پس از یک دوره رکود شکوفایی مجدد هنرها و علوم آغاز شد. در همین زمان به همت خواجه رشیدالدین فضل‌الله، مرکزی علمی و هنری به نام «ربع رشیدی» در تبریز ایجاد گردید و باعث تشویق و ترغیب هنرمندان و دانشمندان شد. خواجه رشیدالدین مردی فاضل بود و از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که صورت داد، دوباره‌نویسی و گردآوری آثار گذشتگان بود؛ یعنی به عبارتی دست به حفظ و اشاعه فرهنگ دانشمندان و هنرمندان زد و همین نکته موجب ایجاد آثار بی‌شماری در عهد مغول و پس از آن گردید.

با تثبیت حکومت مغول‌ها و ایجاد خاندان ایلخانیان در ایران و آسیای مرکزی، به‌زودی فاتحان مغول هنرمندان را که جذب دربار عباسیان شده بودند، به خدمت خود گرفتند. وارثان چنگیزخان مغول با قبول دین اسلام دست به تأسیس دولت‌هایی در ایران زدند و هنرمندان را به پایتخت‌های خود در تبریز و مراغه کشاندند؛ یکی از این سلاطین که حامی و مشوق هنر و هنرمندان بود، سلطان محمد خدابنده اولجایتو بود. در دوره اولجایتو تعداد زیادی از علماء و دانشمندان برجسته دینی و مذهبی از جمله علمای آشنا به فنون و رشته‌های علمی دیگر در دستگاه حکومت ایلخانی حضور داشتند و حضور این علماء موقعی در زمان اولجایتو به اوج خود رسید که سلطان تصمیم به ساخت شهر سلطانه گرفت. چون برای ساختن این شهر نیاز شدیدی به معماران، مهندسان، هنرمندان و اهل فکر و نظر داشت تا بتواند شهر مورد دلخواهش را بسازد و از سوی دیگر خود سلطان علاقه فراوانی به بحث‌های علمی و نظری داشت و در مناظرات و مناظرات بین علمای مذاهب اسلامی شرکت می‌کرد و دوست داشت که از نظرات علمی تمام علما آگاهی داشته باشد. در همین راستا، هدف این پژوهش، بررسی جایگاه هنر در ایام سلطنت سلطان محمد اولجایتو و آثار و تحولات مهم هنری این دوره می‌باشد.

در این بین، نگارندگان، پرسش‌های را طرح کردند که با پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها، می‌توان تصویری روشن از رویکرد ایلخانیان نسبت به هنر در ایام سلطنت سلطان محمد خدابنده اولجایتو به دست آورد که عبارت‌اند از:

- ۱- آیا سلطان محمد خدابنده اولجایتو به مقوله هنر توجه کرده است؟
- ۲- چرا سلطان محمد خدابنده اولجایتو به مقوله هنر توجه کرده است؟
- ۳- چگونه سلطان محمد خدابنده اولجایتو به مقوله هنر توجه کرده است؟
- (مکانیزم‌ها، روش‌ها، نوع هنر مورد توجه)

۴- آثار هنری خلق شده در نتیجه‌ی توجه به هنر توسط سلطان محمد خدابنده اولجایتو چیست؟

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده که در ابتدا با فیش‌برداری و تفکیک و طبقه‌بندی داده‌ها همراه شده و نهایتاً با ملاحظه‌ای اسناد و منابع و مآخذ مشخص، تدوین یافته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سلطان محمد خدابنده اولجایتو به خاطر شور و دل‌بستگی که به هنر داشته، علاقه‌مند و دوستدار هنر و به مقام هنرمند ارج و اهمیت می‌داده است و آن‌ها را مورد حمایت خود قرار می‌دهد که با رشد و گسترش برخی هنرها و پدید آمدن بزرگ‌ترین شاهکارهای هنری در این رشته‌های هنری مقارن بوده است. از جمله رشته‌های هنری که در دوره وی متداول بوده است، می‌توان به هنرهای معماری، نقاشی و خوشنویسی اشاره کرد که به حد‌اعالی توسعه و تکامل خود رسیدند.

۲- سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و رویکرد وی نسبت به هنر

در عصر مغول‌ها با توجه به دین‌ستیزی آن‌ها ابتدا هنرهایی چون موسیقی و نقاشی و به خصوص مجسمه‌سازی رونق گرفت و کارهای ارزنده و باشکوهی را به وجود آوردند؛ اما پس از تسلط اسلام و گرویدن سلاطین مغول به دین جدید، هنر نیز چون سایر مظاهر جامعه دستخوش تغییر و تحول گردید و بالاجبار در راهی افتاد که اسلام پیشنهاد می‌کرد. هنرهایی مثل موسیقی، مجسمه‌سازی که با اسلام مغایرت داشتند به فراموشی سپرده شدند و به جای آن معماری به جلو آمد و متعاقب آن نقاشی، کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌بری و خوشنویسی فعال شد. از آن پس سلاطین ایلخانی، برای نمایاندن شوکت و جلال خود، از هنر سود می‌جستند و برای ساختن شاهکارهای هنری، هنرمندان را به خدمت می‌گرفتند (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۵۷). از طرفی، از قرن هفتم به بعد، سراسر راه ابریشم در اختیار مغولان بود، بازرگانانی که از اقصی نقاط جهان در این مسیر حرکت می‌کردند در شهرهای ایران اقامت می‌افکندند و خود برای انتقال هنر، مورد مؤثری بودند (پرایس، ۱۳۷۴: ۹۵).

در نتیجه هنر این عصر در قالب‌های خوشنویسی، مینیاتور، تذهیب و معماری تجلی کرد. معماری ما در هنرهای دیگر شد و انواع ظرافت‌کاری‌ها و جلوه‌های هنر را در خود جای داد، مینیاتور به اوج شکوفایی خود رسید؛ اما هنر موسیقی که از ابتدای حکومت مغولان به خاطر علاقه سلاطین به موسیقی، رونق داشت. بعد از روی کار آمدن اسلام در غالب سماع صوفیانه جلوه‌گر شد و نمه‌ها را در خود پناه داد (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۵۹). موسیقی‌دانان بزرگی چون عبدالقادر عینی در نیمه دوم قرن هفتم پا به عرصه وجود گذاشتند. وی حافظ قرآن بود و هدفش را از فراگیری موسیقی چنین بیان می‌کرد: «چون قرآن را حفظ کرده بودم، می‌خواستند که معرفت نعمات کما ینبغی این بنده را حاصل شود تا چون به تلاوت قرآن کلام‌الله مشغول شدم. به نعمات طیبه بدان ترنم کنم و از سر وقوف باشم.» (همان‌جا)؛ بنابراین در عهد مغولان و ایلخانان به دلایل گوناگون هنر، این امکان را یافت که در بهترین جلوه‌های ممکن خود بروز کند و در عین حال مسیری را طی کند که اسلام توصیه می‌کرد. هنرهای زیادی در زمان ایلخانان رواج داشته است که به راحتی نمی‌توان منشأ پیدایش هر کدام را به هر سبک از سلاطین این دوره نسبت داد ولی این را می‌توان گفت که برخی از رشته‌های هنری در این دوران بیشتر مورد توجه بوده است، با عنایت به اینکه هر کدام از آن‌ها با پیشینه‌ای مورد توجه است و آنچه مورد نظر است اینکه اگر بخواهیم هنرهایی که در زمان اولجایتو رونق یافته‌اند بیان نماییم کار مشکلی است و نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد. لذا ما فقط به همین نکته بسنده می‌کنیم که هنرهای متداول آن روز کدامند و سلطان محمد اولجایتو به چه نوع از رشته‌های هنری توجه داشته است.

۳- معماری

معماری ایلخانی تکامل هماهنگ شیوه‌ها و فنون هنر دوره پایانی عصر سلجوقیان است. معماران آن عصر گرچه در فنون، شیوه، نقشه، روش تزئین و نوع مصالح از دوره سلجوقی اقتباس می‌کردند، ولی معماری را تکامل و با ظرافت خاصی آن را تعالی بخشیدند. در دوره سلطان محمد خدابنده اولجایتو، چون تصمیم به ساخت شهر سلطانیه گرفت؛ نیاز عاجلی به معماران، مهندسان، هنرمندان و اهل فکر و نظر داشت تا بتواند شهر مورد دلخواهش را بسازد. برای همین علما و هنرمندان را در دربار خود جمع کرد و در منازعات و مناظرات علمی آن‌ها شرکت می‌کرد و از نظرات علمی آن‌ها آگاهی می‌یافت. در این بخش، از آنجائی که ساخت شهر سلطانیه هم از لحاظ تمدنی درخور توجه است و هم در زمان ساخت، باعث شد که تعداد زیادی از علما دور هم جمع شوند و هم اینکه بعد از ساخت به یکی از مراکز مهم علمی آن زمان میدل گشت، ابتدا به چگونگی ساخت بنای این شهر و سپس دیگر بناهای مهم این دوره می‌پردازیم:

الف- شهر سلطانیه

در کتب تاریخی این‌گونه مشهور است که غازان خان منطقه‌ای را که نام آن به مغولی قنغورا لانگ بوده، به سرزمینی که شهر سلطانیه در آن واقع شده است توجه زیادی داشته است و همیشه برنامه‌ها و مراسم‌های خود را در چمن سلطانیه برگزار می‌کرده است و در اواخر عمر خود نیز قصد ساختن بنایی را در آنجا داشته است و خودش موفق به این کار نشده است؛ و بعد جانشین وی سلطان محمد خدابنده در سال ۷۰۵ یا ۷۰۴ ه.ق با اختلافی که در کتب تاریخی هست دستور ساختن این شهر را صادر نمود، موقعیت سلطانیه در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر زنجان در ۵۴ کیلومتری شهر قرار دارد (ثبوتی، ۱۳۷۰: ص ۳۶؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ص ۱۴۷).

و قبل از مغولان و ایلخانان هیچ بنایی در سرزمین سلطانیه وجود نداشت بلکه تنها چمنزاری که خیلی مورد توجه ایلخانان بود و ایلخانان برای شکار به آنجا زیاد رفت‌وآمد می‌کردند و همین امر باعث شد که به فکر ساختن بنایی در آن محدوده بیفتند و بر اساس آنچه در کتب تاریخی آمده است سلطان محمد خدابنده پس از اینکه تصمیم گرفت به آرزوی برادرش جامه عمل بپوشاند، دستور داد از تمامی سرزمین‌ها معماران و مهندسان و هنرمندان را جمع کنند تا او را در ساختن این بنای مهم و به یادماندنی یاری دهند. در این باره آمده است که: «به کینکاج رسامان ماهر و مهندسان شاهر و استادان معمار حاذق نیز نظر چابک دست شیرین‌کار، شهری مثل محروسه تبریز بسیط عریض با طول و عرض فسیح و وسیع خرقه از بهار چین و نفیس‌تر از اشعار دین، عالی‌تر از قبه افلاک و مشروع‌تر از سمک تا سماک بنا فرمود» (کاشانی، ۱۳۴۸: ص ۴۶).

ساختن شهر سلطانیه بنا بر آنچه در کتاب تاریخ مغول عباس اقبال آمده است حدود ده سال به طول انجامید یعنی در سال ۷۰۴ آغاز و حدوداً در سال ۷۱۳ به اتمام رسید و بعد از به اتمام رسیدنش دیگر محل قنغورا لانگ که چمنی بیش نبود. بلکه یکی از اعظم بلاد اسلامی شرق شده بود و البته عمارت و مدارس بسیار و مساجد و حمام‌ها و بازارهای فراوانی در آنجا به وجود آمده بود و هر طبقه‌ای از جامعه در آن شهر برای خود جایگاهی قرار داده بودند و به راحتی می‌توانستند به هر شغل و حرفه‌ای که دوست داشتند به فعالیت مشغول شوند. «اولجایتو بعد از بنای سلطانیه جماعتی از پیشه‌وران و اهل حرف و صنایع تبریز را به سلطانیه آورد

و آن را به ترویج صنایع یدی مشغول داشت و به قدری در مزید رونق آن شهر کوشید که سلطانیه در اندک مدتی بعد از تبریز اولین شهر ممالک ایلخانی گردید» (اقبال، ۱۳۵۰: ص ۳۱۱؛ آیتی، ۱۳۷۲: ص ۲۵۴).

این شهرت به خاطر این بود که اولجایتو سعی نموده بود تمام امکانات آن روز را از لحاظ مهندسی و هنر در ساختن این شهر بکار گیرد و در تاریخ وصاف در وصف این شهر آمده است که «حدود ده سال ساختن آن به طول انجامید و پس از اتمام آن اولجایتو پایتخت خود را از تبریز به سلطانیه منتقل نمود.» (آیتی: ص ۲۵۹). وصاف الحضرة در این رابطه می‌سراید که:

«وضع سلطانیه گویی که سپهری است برین
 خلد گر دونش چه خوانی تو که در زیب علو زمین
 بر اقلیم جهان یافت شرف قنغراآنگ
 شاه اسلام خدابنده محمد که خدا تیغ او ساخت به حق مظهر آیات مبین»
 (آیتی: ص ۲۵۹).

و در جای دیگر از تاریخ وصاف در وصف سلطانیه از قول قاضی القضاة آمده است که: «قاضی القضاة گفت: اتفاق است که بهشت دنیا چهار است یکی شعب بوان فرمود کجاست؟ عرضه داشت که از نواحی شیراز دوم سمرقند سوم غوطه دمشق آبله بصره یعنی امروز با وجود سلطانیه بهشت پنج شد. پس به شرف عرض رسانیدم که گفته‌ام سلطانیه بهشت پنجم است اما آن چهارگانه او را بنده‌اند. شاه (اولجایتو) به طرب آمد و گفت که بهشت پنج شد اما لازم که همه مانند یکدیگر باشند که سلطانیه از آن چهار بهتر است.» (آیتی: ص ۲۸۴).

با این اوصاف مشخص می‌شود که اولجایتو نهایت سعی و تلاش خود را نموده که قصری بسازد که تا چندین قرن مورد توجه و زیارت عام و خاص باشد؛ و در کتب مختلف تاریخی به‌طور صریح از سلطانیه و گنبد آن که ما به‌طور جداگانه راجع به گنبد سلطانیه سخن خواهیم گفت به‌عنوان یکی از شهرهای مهم آن روز نام برده‌اند ولی امروز دیگر آثاری از آن شهر با عظمت که پایتخت ایلخانان بوده باقی نمانده و فقط گنبد سلطانیه باقی است ولی از ساختمان‌های مختلفی که در آن شهر وجود داشته است در کتاب نفایس الفنون آمده که چندین مدارس، دارالشفاء و خانقاه و مدرسه و مسجد وجود داشته است که چند صد دینار هر روز جهت خرج فراشان و خادمان این مراکز شده است خبری نیست. (نفایس الفنون فی عرایس العیون، شمس‌الدین محمد بن محمود آملی به نقل از ثبوتی، ۱۳۷۰: ص ۳۴).

ب- گنبد سلطانیه

سلطان محمد خدابنده زمانی که مشغول ساختن شهر سلطانیه بوده تصمیم می‌گیرد که به تقلید از برادرش غازان خان جایگاهی برای خود بسازد که در آنجا او را دفن کنند و در برخی کتب گفته شده که وقتی شیعه شد این فکر برایش پیش آمد که چرا قبور ائمه شیعه در جاهای مختلف پراکنده است و باید این‌ها را در یک مکان نمود لذا مکانی بنام گنبد سلطانیه ساخت و تصمیم گرفت که ائمه شیعه را نبش قبر کرده و اجساد مطهر آن‌ها را به سلطانیه منتقل نماید تا به رونق تجاری و اهمیت مذهبی پایتخت جدیدالتاسیس خود بیفزاید لذا دستور داد تا تزئینات داخلی آن بنا را که تا آن روز انجام نگرفته بود به‌طوری بپردازند که در آن از شعائر مذهب تشیع به‌خوبی مورد استفاده قرار گیرد به همین جهت بود که کلمه علی مکرر با کاشی در متن آجر نوشته شد. (مخلصی، ۱۳۶۸: ص ۱۴).

اما وقتی این تصمیم با مخالفت شدید علماء شیعه روبه‌رو شد و با دیدن خوابی که سلطان در آن خواب حضرت علی (ع) را دید که با این کار مخالف است و از این عمل ناراحت به نظر می‌رسید این کار را انجام نگرفت و سلطان دوباره تصمیم گرفت که این مکان را مقبره خود قرار بدهد و وقتی وفات یافت او را در همان مکان دفن نمودند.

گنبد سلطانیه یکی از شاهکارهای معماری اسلامی بشمار می‌رود که در ساختن آن سلطان محمد خدابنده تمام هنرهای متداول آن روز را برای تزئین آنجا بکار برده، از جمله اینکه تمام تزئینات آجری و کاشی‌کاری و گره‌سازی را با پوششی از گچ اندودند و روی این پوشش را با کتیبه‌ها و اشکال مختلف هندسی طرح‌های گل‌بوته دار با رنگ آبی و زمینه سفید گچ‌بری کردند (ویلیز، ۱۳۶۵: معماری اسلامی در دوره ایلخانی). در جای‌جای داخل گنبد کلمات ... اکبر، لا اله الا ... و محمد و علی و اسامی ائمه اطهار و آیات قرآن بچشم می‌خورد که خود نشانگر این است که از آیات قرآن و کلمات مقدس برای اینکه شاید در روح او تأثیراتی داشته باشد و موجب تسکین وی شود استفاده شده است.

این بنای عظیم که شهرت جهانی دارد ساختمان بزرگ کثیرالاضلاع شکلی است. در هر ضلع آن سه طاق نما تعبیه شده و در قسمت بالای دیوار دور تا دور آن را حجراتی فراگرفته که هر کدام از حجرات با سه طاق نما به‌طرف خارج باز می‌شود و در روی هر کدام از جرزه‌های هشتگانه آثار مناره‌ای که به زیباترین کاشی‌های معرق تزئین، یافته دیده می‌شود در میان این مناره‌ها گنبد دو

پوشه نوکتیزی که بزرگ‌ترین گنبد تاریخی ایران می‌باشد جای دارد. در سمت جنوبی گنبد آثار ساختمان مسجدی که دارای محراب گچ‌بری است دیده می‌شود که بعداً به بنای سلطانیه افزوده شده در جهات دیگر، آثار راهرو و پلکان‌هایی برای وصول به طبقات فوقانی بنا وجود داشته که اکنون مختصری از آن آثار به جا مانده است. بدنه اصلی گنبد و روکش خارجی تمام ساختمان آرامگاه با آجر محکم و گچ ساخته شده، بعد روی بنای آجری را با بهترین کاشی‌های رنگین بنفش و فیروزه‌ای و آبی و لاجوردی به شیوه کاشی‌کاری معرق آراسته‌اند، کاشی‌های فیروزه‌ای این بنا و گنبد منظره و حالت دلچسب و گیرنده‌ای به این ساختمان داده است. سایر تزئینات سر درب و مجموعه خطوط رقاع و کوفی که عموماً با کاشی زینت شده حکایت از عظمت و جذابیت این ساختمان در زمان آبادی آن می‌نماید. ارتفاع گنبد ۵۱ متر و پهنای آن ۲۴ / ۴۰ متر است از این رو گنبد را می‌توانیم یکی از بزرگ‌ترین گنبد‌های ایران دانست در اطراف شاه‌نشین‌های داخلی و خارجی این بنا نرده‌های مشبک چوبی و پنجره‌های آهنین نصب بوده که اینک چند نمونه از آن باقی است. این آرامگاه دارای درهای بسیار گران‌بهای بوده که در حال حاضر اثر و نمونه‌ای از آن برجای نمانده. گنبد آن، با کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ پوشیده شده گیلوتی، بالای دیوار و سایر قسمت‌های بنا دارای کاشی‌های رنگارنگ خیره‌کننده‌ای است، سقف داخلی شاه‌نشین‌ها و رواق‌های اطراف با گچ‌بری‌های رنگین و آجر تراش مزین شده، درون گنبد بانضمام شاه‌نشین و سایر صفاها مجموعه کاملی از هنرهای ظریفه آن عهد را در بر دارد (خطوط، نقاشی، فن کتابت، گچ‌بری و ریزه‌کاری که نظیر آن کمتر در سایر ابنیه اسلامی دیده شده است). در بقیه بنا نمونه‌های بسیار جالبی از انواع و اقسام خطوط (به شیوه کافی، رقاع، ثلث، نستعلیق) با گچ‌بری و طراحی ظریف نمایان است (غفوری اسفریزی، ۱۳۸۰: صص ۱۰۴ و ۱۰۵).

به‌طور کلی بنای آرامگاه با دو سر در تاریخی آن که یکی دارای کتیبه گچ‌بری و دیگری با بهترین نوع کاشی معرق فیروزه‌ای و لاجوردی تزئین یافته از مظاهر عالی صنعت دوره مغول بشمار می‌رود زیرا آثار مقرنس و قطارهای ظریف کاشی الوان که با نقوش هشت پر و پنج پر و ستاره‌ای شکل مزین ساخته‌اند بر لطف و زیبایی جاودانی این بنا گواهی می‌دهد. بدین جهت این بنا را باید از نظر فن معماری و هنرهای ظریف (استخوان‌بندی، هیئت ساختمان عظیم گنبد، تزئینات کاشی‌کاری و گچ‌بری و رنگ‌آمیزی و انواع خطوط و مقرنس و قطار سازی) سرآمد ابنیه تاریخی ایران نام نهاد. پیدایش گنبد سلطانیه را می‌توانیم آغاز نهضت معماری ایران نام دهیم زیرا از تاریخ اتمام این بنای شگرف (۷۰۴ هجری) جنبش عظیمی در معماری و اسلوب ساختمانی ایران پدیدار شده که اثرات آن بلافاصله در ابنیه همان دوره مانند ساختمان‌های تاریخی نطنز (خانقاه مسجد) و سایر نقاط به عالی‌ترین وجهی دیده شده از این جهت این بنا را باید به‌منزله سرمشق و راهنمای معماری و صنعتی ادوار بعد دانست (غفوری اسفریزی: ص ۱۰۵).

پ- ربع رشیدی

یکی از اقدامات مهم خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ساختن ربع رشیدی در محله ولیان کوه (مستوفی، ۱۳۶۶: ص ۱۲۳) باغ‌میشه تبریز است. این بنا در اصل محله‌ای بود در جوار تبریز، شامل مؤسسات مختلف از مسجد، مدرسه، خانقاه و دارالشفای دارالسیاده و گنبدی برای مقبره بانی و کتابخانه‌ای، در این مکان علما و متصوفه گرد هم جمع می‌شدند و به مباحثات علمی می‌پرداختند، کتابخانه‌اش نیز محل نگهداری کتب معتبر و نفیس فراوانی بود (صفا، ۱۳۶۳، ج ۲ و ۳: ص ۱۲۵). ربع رشیدی یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی آن زمان محسوب می‌شد و به همت خواجه رشیدالدین فضل‌الله وسعت و گسترش فراوانی یافت. به‌گونه‌ای که این مرکز، با توجه به وجود دانشمندان، هنرمندان، صنعتگران، شهرهای گوناگون و ملل مختلف به‌صورت یک مرکز بین‌المللی علوم درآمد بود؛ اما این مرکز بسیار بزرگ علمی سرنوشتی اسفانگیز دچار شد، بعد از مرگ رشیدالدین در سال ۷۱۸ ه.ق محله ربع رشیدی مورد غارت قرار گرفت (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ص ۱۲۹) و تمام آن مجموعه بزرگ فرهنگی به غارت رفت، تمامی علماء و فضلا و حتی کارکنانش تار و مار شدند و بسیاری از کتب نفیس آن را نیز از بین بردند (بارتولد، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۱۲۹) و لطمه سیاسی فرهنگی عمیقی به ایران وارد آمد؛ اما این سرنوشت به اینجا ختم نشد، هنگامی که غیاث‌الدین محمد، فرزند رشیدالدین به وزارت ابوسعید رسید، درصدد برآمد تا به روش پدر دست به آبادانی بزند، در نتیجه ویرانی‌های ربع رشیدی را مرمت کرد (بیانی، ج ۲: ۵۱۳). ربع رشیدی دوباره رونق گرفت و ذکر تجمع علماء و فضلا و بزرگان دینی شد، به‌گونه‌ای که در اوایل قرن هشتم شاید مهم‌ترین مراکز تعلیم و تربیت و دارالعلم مشهور دنیا بود (ویلسن، ۱۳۱۷: ص ۱۷۵). ولی با مرگ غیاث‌الدین در سال ۷۳۶ ه.ق دوباره این مرکز به چپاول رفت و تمامی آثار گران‌بها و نفیس آن را از بین بردند، تنها بقایای این بنا، در زمان شاه‌عباس صفوی مورد استفاده در بنای یک قلعه قرار گرفت.

ت- مسجد جامع علیشاه یا ارگ علیشاه

این بنا از برجسته‌ترین بناهای عصر ایلخانان محسوب می‌شود و نمونه بارز سبک معماری ایلخانان است. این بنا بین مهر و موم‌های ۷۱۰ تا ۷۲۰ ه.ق، به اشاره تاج‌الدین علیشاه، وزیر اولجایتو و ابوسعید در تبریز بنا شده و امروز به ارگ مشهور است (تاریخ کمبریج، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۸۹). حمدالله مستوفی در مورد این مسجد می‌نویسد: «و وزیر تاج‌الدین علیشاه جیلانی (تبریزی) در خارج محله نارمیان مسجد بزرگی ساخته که صحنش دوپست و پنجاه گز و در و صف‌های بزرگ، از ایوان کسری به مداین بزرگ‌تر، اما

چون در عمارتش تعجیل کردند و فرود آمد و در آن مسجد انواع تکلفات به تقدیم رسانیده‌اند و سنگ مرمر بیقیاس در آن بکار برده و شرح آن را در زمان بسیار باید و اکنون چند عمارت عالی و خوب که در تبریز و این دو شهر چه است و در تمامت ایران نیست...» (مستوفی، ۱۳۶۶: ص ۷۸) و کریم آقسرای این بنا را با مسجد جامع دمشق مقایسه می‌کند که «غیر از مسجد جامع دمشق مثل آن در جهان در هیچ اقلیمی نشان نمی‌دهند و نظیر ندارد.» (آقسرای، ۱۳۶۲: صص ۳۱۴-۳۱۵). در مورد خصوصیات معماری این بنا، نیز این بطوطه که خود آن را مشاهده کرده چنین می‌نویسد:

«در بیرون آن از دست راست رو به قبله مدرسه‌ای و از دست چپ خانقاهی وجود دارد. صحن مسجد با سنگ‌های مرمر و فرش گردیده به‌وسیله کاشی که چیزی مانند ذلیج است پوشانده شده و جوی آبی از وسط آن می‌گذرد و انواع درختان و تاک و یاسمین در آن به عمل آورده‌اند.» (این بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ص ۲۸۴). به هر طریق این بنای «مینو نمای رفیع بنای والاقتای خلد آسا» (منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ص ۱۱۷) یکی از سه بنای مهم عهد مغول است (مقبره اولجایتو و مقبره غازان خان دو بنای دیگر می‌باشد) و در زمان خود شاید یکی از بزرگ‌ترین و با هیبت‌ترین ابنیه دنیا بوده است (ویلسن، ۱۳۱۷: ص ۱۷۶).
علی‌شاه بعد از غلبه بر رشیدالدین فضل‌الله به‌منظور رقابت با وی دست به ساختن بناهایی زد، از قبیل مدرسه و خانقاه و مسجد و این بنا بهر صورت که ساخته شده باشد، گواه عالی از منابع مادی و علاقه شخصیت‌های بزرگ کشور با معماری است، در ضمن مهارت سازندگان در ساختن این بنا نیز به چشم می‌خورد.

و- مقبره ملاحسن شیرازی

در قسمت غربی دهکده سلطانیه ساختمان بالنسبه مفصل گنبد داری است که عده‌ای آن را متعلق به دوره صفوی و بانی آن را شاه اسماعیل می‌دانند لیکن بنابر نوشته پرفسور مینورسکی در فرهنگ اسلامی در روی یکی از دیوارهای این بنا که کتیبه‌ای داشته به نام اولجایتو خوانده شد به این ترتیب ممکن است ساختمان آن پیش از دوره صفوی باشد و این نکته از تاریخ سال ۷۳۳ هجری که بر خانقاه مجاور مقبره شیخ حسن دیده می‌شود تا اندازه‌ای تأیید می‌گردد. (مینورسکی، در فرهنگ اسلامی فصل سلطانیه، ج ۴: ص ۵۷۵).

بنای دیگری از قدیم در مجاورت مقبره ملاحسن دیده می‌شده اکنون جز چند دیوار مخروبه چیزی از آن به نظر نمی‌رسد. این بنا را بنام مقبره اغلی می‌نامند و از ابنیه متعلق به دوران مغول بوده است. سومین بنا که در صد کیلومتری سلطانیه بر جا مانده بنای مقدس قیدار بنایی است که بایستی از ساختمان‌های قرن هفتم هجری باشد. این نکته از تاریخ صندوق مزار که به سال ۶۹۱ هجری است روشن می‌شود و گذشته از این تاریخ در کتیبه تاریخ بنا ۷۱۰ هجری نیز خوانده می‌شود (نقل از سالنامه وزارت فرهنگ ۱۳۱۷-۱۳۱۸، ص ۴۸۶).

ز- بقعه شیخ عبدالصمد

بقعه یا خانقاه شیخ عبدالصمد مکان چهار گوشه‌ای است که دارای گنبد هرمی شکل هشت ترک است که از نظر دارا بودن کتیبه گج‌بری تاریخی و محراب کاشی‌کاری نفیس و ضریح چوبی ظریف، شهرت خاصی دارد و متأسفانه قسمتی از کاشی‌های گران‌بهای محراب از بین رفته و از آنچه باقیمانده زیبایی و جذابیت محراب روشن می‌شود.

متن کتیبه تاریخی خانقاه چنین است: هذه القبة المشرفة مزار الشيخ الرباني نورالملة و الدين عبدالصمد بن علي الأصفهاني المقيم بنطنز امر بنائها صاحب الاعظم زين الدنيا و الدين خليفه الماستري في سبع و سبع مائه در جنب بقعه آثار خانقاهی دیده می‌شود که از بنای اصلی آن فقط ایوانی به نظر می‌رسد بدنه اصلی آن آجری بوده و روکشی از کاشی‌کاری معرق فیروزه‌ای و لاجوردی دارد. این کاشی‌کاری از نظر ترکیب و اختلاط رنگ و انتظام و ترتیب چیدن کاشی‌ها در نوع خود از عالی‌ترین نمونه کاشی مغولی محسوب می‌شود. کتیبه کاشی این ایوان فاقد تاریخ است لیکن از آن مقدار که باقی مانده معلوم می‌شود که بانی این خانقاه هم خلیفه بن حسن بن علی الماستری است که در بنای مسجد و بقیه نام او دیده می‌شود. مناره زیبای خانقاه هم دارای همان امتیازات کاشی‌کاری ایوان می‌باشد گذشته از رنگ‌آمیزی بدیع و کم‌نظیر کتیبه مناره که به رنگ فیروزه‌ای ساخته شده دارای تاریخ سال ۷۲۵ هجری است که بی‌نهایت مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. متن این کتیبه تاریخی این چنین است: امر بناء هذه المنارة العالیة و الغرب الرفیعة الملك الاعظم صاحب المعظم اعدل ملوک العجم باقی قواعد الخیرات منبع السعادت با سطاتمامن والامان ناشر العدل، والاحسان شمس الدوله و الدین ناصر الاسلام و عون المسلمین محمد بن ابی علی تقبل ... حسناسته فی شهود خمس و عشرين وسبعمائه.

به این ترتیب می‌توانیم تاریخ ساختمان‌های مسجد - بقعه - خانقاه و مناره چنین ثبت نماییم:

مسجد دارای دو تاریخ ۷۰۴ و ۷۰۹ هجری است که سال آغاز و پایان بنا است تاریخ بقعه شیخ عبدالصمد سال ۷۰۷ هجری است. ایوان خانقاه دارای تاریخ ضمنی ۷۱۶ یا ۷۱۷ هجری می‌باشد. مناره مورخ به سال ۷۲۵ هجری است. پس با این ترتیب تاریخ کلیه این ساختمان‌های تاریخی مسجد و بقعه (۱) و ایوان و مناره) ما بین ۷۰۴ و ۷۲۵ هجری است. در این ابنیه که در فاصله ۲۰

سال ساخته شده آثار نهضت ساختمانی دوران ایلخانان و بالأخص نفوذ معماری و هنر تزئینی مقبره باشکوه خدابنده کاملاً نمایان است که تا چه حد ساختمان آرامگاه خدابنده مورد تقلید و سرمشق این ابنیه باشکوه قرار گرفته و از این پس باید کلیه ساختمان‌های قرن هشتم را در حقیقت، تقلیدی از اصول معماری آرامگاه خدابنده در سلطانیه دانست (اقبال، ۱۳۵۰: سلطانیه و گنبد آن).

۴- نقاشی

از جمله هنرهایی است که در عصر اولجایتو توجه و عنایت ویژه‌ای به آن شده و باعث گسترش و رونق آن گردیده است خصوصاً اینکه نسخه خطی کتاب مشهور جامع التواریخ رشیدی در بین سال‌های ۷۰۷ تا ۷۱۴ ه.ق تدوین یافته است از نقاشی‌های مکتوب آن دوره است (پرایس، ۱۳۷۴: صص ۹۷ و ۱۳۰). در کتاب گلستان هنر آمده است که در عهد سلطان محمد اولجایتو و ابوسعید، نقاشی و تذهیب بسیار مورد توجه بزرگان بوده است؛ اما بعد از مرگ ابوسعید (۷۳۶ ه.ق) سلسله ایلخانان رو به زوال نهاد و نقاشی و تذهیب، رونق خود را از دست داد (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۳۴).

از نقاشان معروف دوره ایلخانی، می‌توان به فخرالدین حسین بن بدیع و شیخ بدرالدین، محمود بن محمدعلی طوسی، استاد احمد موسی (از استادان مشهور آن زمان)، امیر دولتیار و مولانا ولی‌الله همگی اشاره کرد که از نقاشان مشهور آن عهد به‌شمار می‌آیند.

۵- خوشنویسی

از جمله هنرهایی که می‌توان از این دوره بدان اشاره نمود هنر خوشنویسی است که شخص اولجایتو به آن خیلی علاقه نشان می‌داده و حتی پسر خود ابوسعید را وادار به یادگیری این هنر نموده است. با حمله مغول‌ها وقفه‌ای در رشد خوشنویسی ایجاد می‌شود، اما پس از اینکه حکام مغول (ایلخانان) اسلام می‌آورند. خوشنویسی از نو جان می‌گیرد. در این عهد نوعی خط در ایران رایج می‌شود که به خط تعلیق معروف است. خصوصیت این خط در این است که حروفش از سمت راست به چپ و از پائین به بالا تمایل دارند. از خطاطان مشهور این عهد باید از عبدالله محمد همدانی و عبدالصیرفی نام برد که خوشنویسی یکی از نسخه‌های (مقامات حریری) منسوب به اوست.

۶- نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایلخانان از جانشینان مغولان پس از تصرف ایران بودند که میراث هنر سلجوقیان را در تصرف خود گرفتند و تحولاتی در آن ایجاد کردند که به شکوفایی برخی از آن‌ها انجامید. هنر و هنرمندان از گذشته تاکنون بنا بر به مستندات تاریخی دارای جایگاه خاص خود در نزد اهل هنر، پادشاهان و سایر اقشار مردم بوده است. توجه به هنر و حمایت از هنرمندان از ابزارهای لازم برای تثبیت قدرت حاکمان و بزرگ‌نمایی حکومت خود، می‌باشد. حاکمان، فضای تولید هنر را برای هنرمندان آماده می‌کردند و هنرمندان نیز در سایه این حمایت‌ها آثار خود را می‌آفریدند و در آثار خود، عظمت و والامقامی حکام را به تصویر می‌کشیدند. در عصر ایلخانی بالأخص سلاطین مسلمان مغول (از غازان خان به بعد) توجه خاصی به هنر داشته‌اند. یکی از این سلاطین، سلطان محمد خدابنده اولجایتو می‌باشد که از حامیان هنر و هنرمندان بوده است. در دوره اولجایتو تعداد زیادی از علما و دانشمندان برجسته دینی و مذهبی از جمله علمای آشنا به فنون و رشته‌های علمی دیگر در دستگاه حکومت ایلخانی حضور داشتند و حضور این علما موقعی در زمان اولجایتو به اوج خود رسید که سلطان تصمیم به ساخت شهر سلطانیه گرفت. چون برای ساختن این شهر نیاز شدیدی به معماران، مهندسان، هنرمندان و اهل فکر و نظر داشت تا بتواند شهر مورد دلخواهش را بسازد و از سوی دیگر خود سلطان علاقه فراوانی به بحث‌های علمی و نظری داشت و در منازعات و مناظرات بین علمای مذاهب اسلامی شرکت می‌کرد و دوست داشت که از نظرات علمی تمام علما آگاهی داشته باشد. در همین راستا، هنرمندان را به خدمت گرفت و در نتیجه ساخت شاهکارهای هنری، شکوه و جلال خود را در تاریخ به یادگار گذاشت. از جمله هنرهای متداول در این دوره، رشته‌های هنری چون معماری، نقاشی و خوشنویسی است که مورد توجه و عنایت ویژه‌ای سلطان ایلخانی قرار گرفته شده که در نتیجه‌ی آن باعث رونق و گسترش آن‌ها گردیده است.

منابع

۱. آقسرائی، محمود بن محمد (۱۳۶۲)، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، به اهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران، ج ۲، تهران: انتشارات اساطیر.
۲. آیتی، عبدالحمید (۱۳۷۲)، تحریر تاریخ و صاف، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳. ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه، مترجم: علی موحد، ج ۱، تهران: چاپ سپهر نقش.
۴. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶)، تاریخ مغول و اوایل تیموری، تهران: نشر نارمک.
۵. اقبال، عباس (۱۳۵۰)، سلطانیه و گنبد آن، مجموعه مقالات، تهران.
۶. بارتولد، و. و. (۱۳۶۶)، ترکستان نامه، مترجم: کریم کشاورز، تهران: انتشارات آگاه.
۷. بیانی، شیرین (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: نشر دانشگاهی.
۸. پرایس، کریستین (۱۳۷۴)، تاریخ هنر اسلامی، مترجم: مسعود رجب‌نیا، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. تاریخ ایران: پژوهش دانشگاه کمبریج (۱۳۷۱)، گردآورنده: جی، آی. بویل، مترجم: حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
۱۰. ثبوتی، هوشنگ (۱۳۷۰)، بررسی آثار تاریخی سلطانی، زنگان: چاپخانه ستاره.
۱۱. حافظ ابرو (۱۳۵۰)، ذیل جامع التواریخ رشیدی، به اهتمام خان بابا بیانی، تهران.
۱۲. سالنامه وزارت فرهنگ ۱۳۱۵-۱۳۱۷، ص ۴۸۶.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات، ج ۲ و ۳، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۴. غفوری اسفریزی، حسین (۱۳۸۰)، سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و زمان او، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
۱۵. کاشانی، ابوالقاسم (۱۳۴۸)، تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. مخلصی، محمدعلی (۱۳۶۸)، جغرافیای تاریخی سلطانی، تهران: چاپخانه عرفان.
۱۷. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۶)، نزه القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: ناشر کتابخانه ظهوری.
۱۸. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۴)، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزراء، به تصحیح و مقدمه و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳)، گلستان هنر، تهران: انتشارات منوچهری.
۲۰. میرخواند (۱۳۳۹)، روضه الصفا، ج ۵، تهران: انتشارات خیام.
۲۱. مینورسکی، در فرهنگ اسلامی فصل سلطانی، ج ۴: ص ۵۷۵.
۲۲. ویلبر، دونالد (۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، مترجم: عبدالله فریار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. ویلسن، کریستی (۱۳۱۷)، تاریخ صنایع ایران، مترجم: عبدالله فریار، تهران: چاپخانه بروخیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Ilkhanid's Approach To Art During The Reign Of Sultan Muhammad Khodabandeh Oljayto

Meysam Soleymani¹, Eftekhar Gasemzadeh²

Abstract

In the age of the Mongols, due to their religion, they first developed arts such as music and painting, especially sculpture, and created valuable and magnificent works. It changed, and it was forced to follow the path Islam proposed. Arts such as music, sculpture that contradicted Islam were abandoned, and architecture instead came to life, followed by painting, tiling, brickwork, plastering and calligraphy. From then on, the Ilkhanid kings used art to represent their shock and glory, and hired artists to create artistic masterpieces. One of these kings is Sultan Muhammad Khodabandeh Oljaytu, who was a patron of the arts. Among the common arts in this period are the fields of art such as architecture, painting and calligraphy that have received special attention from the sultan Ilkhan, as a result of which they have flourished and expanded. In this study, while trying to study the place of art and architecture in the reign of Sultan Muhammad Oljaytu, he discusses various aspects of art of that era and what kind of approach the sultan Ilkhan had toward art, using a descriptive-analytical method and relying on sources Library, to be paid.

Keywords: Islamic Art, Ilkhanids, Islamic Architecture, Sultan Mohammad Khodabandeh, Oljayto.



1 Master of Arts in the History of Islamic Nations Culture and Civilization - Imam Khomeini International University. (meysamsoleymani82@gmail.com)

2 Master of Arts in the History of Islamic Nations Culture and Civilization - Imam Khomeini International University. (eftekhargasemzadeh@gmail.com)

